

دوست بسیار نازنین عزیزمند: سرکار خانم «ثراله»

پس از عرض سلام، امیدوارم که سرخوش و تندرست و کامیاب باشید. نامه مهرآمیز شما را امروز دریافت کردم و از بیم اینکه دُچار تأخیر در پاسخگویی نشوم، بی درنگ به نوشتن جواب آن پرداختم. قبلاً از اینکه مسافرت شما به «مسکو» برای انتقال کتابهای «موشح» و پُربهائیان شمری ندراده است اظهار تأسف می کنم اما در عین حال، خوشوقتم که از آن گزند زودگذر، به سلامت رها شده اید و من از دیدن دستخطتان - که شیوه ای مهرآمیز دارد - بسیار شاد مانم.

ضمناً، سپاس مرا از این بابت که قبول زحمت کرده اید و نامه کوتاهی را به خانم «زیبا کرمانی» رسانده اید، بپذیرید.

و اما درباره چاپ کردن نقدی که بر کتاب «زمین و زمان» مرقوم فرموده اید، باید به عرضتان برسانم که بر طبق قرار قبلی با آقای «عمرز حکمت» (که شما را هم از آن آگاه کرده بودم) بنا بود که نوشته ای شما و خانم «سیمین بهبهانی» در شماره ویژه «ایران نامه» (برای زنان ایران) درج گردد و من هم، نوشته شما را - منهای سرآغاز سه یا چهار سطر و پایان دو یا سه جمله ای آن - همراه نقد خانم «بهبهانی» (ایضاً: با حذف چند صفحه اول و یک صفحه آخرش) در دو هفته پیش، به نشانی «ایران نامه» فرستادم، ولی آقای «عمرز حکمت»، به رغم قرار قبلی ما و به دلایلی کاملاً کفته نظرانه، - و حتی مُعرضانه - خود را از چاپ کردن نوشته شما معذور دانست و کوشید تا مرا به قبول نظر خود، یعنی بر طبع و نشر نوشته خانم «بهبهانی» (به عنوان یگانه نقد رسیده) وادارد و من، به هیچ وجه نپذیرفتم و هر دو مطلب را از او پس گرفتم و برای آقای «پوروالی» فرستادم و او هم صمیمانه پذیرفت و نمونه تایپ شده آنها را برای غلطگیری به نزد من فرستاد و من هم پس از تصحیح، هر دو را از طریق «فلکس» برای لوپس فرستادم و شما نیز، هم مطلب خودتان و هم مطلب خانم «بهبهانی» را (به قول معروف: این شاء الله) در شماره قریب الانتشار «روزگار نو» خواهید دید، اما خواهش می کنم که از سابقه امر (یعنی فرستادن مجدد نوشته برای «ایران نامه») سخنی با آقای «پوروالی» مگوئید مُتشکرم.

و اما درباره دعوتی که از راه غیر مستقیم و از سر محبت در نامه ای شما تکرار می شود و من و «ثراله» را به گذراندن چند روزی در «لندن» (به میزبانی شما) تشویق می کند، باید به عرضتان برسانم که چنین سفری، تا مدتی نامعلوم، شعور بخانه برای ما ممکن نیست و بدیهی است که اگر در آینده دور و یا نزدیک، امکانی دست دهد؛ با کمال میل، این دعوت را خواهیم پذیرفت. لطفاً سلام و شنای «ثراله»

را قبول فرمائید و مهر و درود مرا نیز به همسر گرامی خود برسانید. روی شمار از دور می بومم. قربان شما: نادر نادرپور